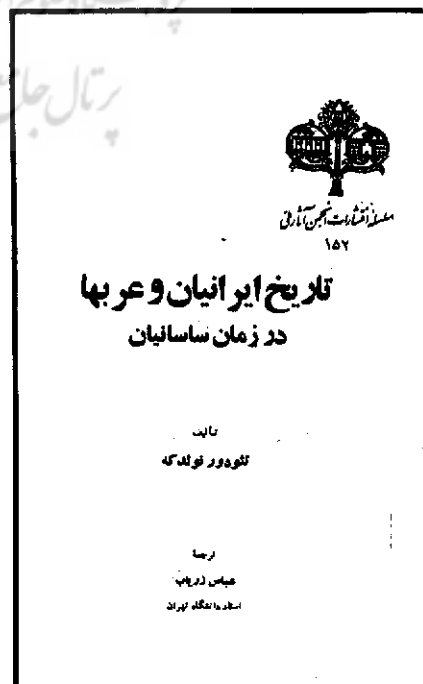


تاریخ ایرانیان و عربها

دکتر رضا شعبانی

تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان.
تألیف تئودور نولدکه. ترجمه دکتر عباس
زریاب خوئی. تهران. انجمن آثار ملی. ۷۳۵
ص. ۱۵۰۰ ریال.

این کتاب، در اساس ترجمه‌ای است از آن بخش از کتاب
عظیم تاریخ ۲ الرسل والملوک (معروف به تاریخ طبری) که
به تاریخ ساسانیان ارتباط پیدا می‌کند. نوشته محمد بن جریر
طبری مکنی به ابو جعفر، فقیه و دانشمند و مورخ مسلمان
ایرانی (ولادت حدود ۲۲۶ ق. / ۸۴۰ م. فوت ۳۱۰ ق. /
۹۲۳ م.). طبری که در بیشتر علوم روزگار خود تتبع داشته،
تألیفات متعددی نیز در زمینه‌های گوناگون تاریخ و فقه و تفسیر
فراهم کرده است. تفسیر کبیر او، مشهور به تفسیر طبری،
بعدها به امر منصور بن نوح سامانی به فارسی ترجمه شده و
همین بخش از کتاب تاریخ جامع وی نیز، در همان روزگار،
به وسیله ابوعلی محمد بن محمد بن عبدالله بلعمی (فوت
۳۶۳ ق. / ۹۷۳ م.) به گونه‌ای ترجمه و تلخیص شده است که
در واقع می‌توان آن را تألیفی مستقل به‌شمار آورد.
تئودور نولدکه (۱۸۳۶ ق. / ۱۹۳۰ م.) خاورشناس نامدار آلمانی، در
سعی عظیم و مشکوری که دخویه شرقشناس مشهور هلندی و
گروهی دیگر از علمای صاحب‌رأی غرب، برای برگردان
کامل کتاب طبری به آلمانی داشته‌اند، متعهد این بخش آن شده
است و به‌قراری که خود اظهار می‌دارد به‌زودی معلوم شده
است که «اجرای این قصد به‌اشکال برمی‌خورد و برخلاف
مصلحت است. زیرا با این قسمت از تاریخ ساسانیان، قطعات
دیگری که از منابع دیگری گرفته شده است درهم آمیخته
است، مانند داستان یولیانوس که از منابع سریانی گرفته شده
است. همچنین جنگ ذوقار با حوادث قبلی آن، اگرچه از
طریق عربها و به‌طریق عربی خالص روایت شده است، برای
تاریخ ایران مهمتر از آن است که من نادیده بگیرم. و نیز
تاریخ پادشاهان حیره را که در جاهای دیگر به‌ندرت ذکر شده
است نمی‌شد کنار گذاشت. و همچنین فتح یمن به‌دست
ایرانیان، که داستان جداگانه‌ای از درگیری ایرانیان با رومیان
است، به تاریخ ساسانیان مربوط است و مقدمه فتح یمن
به‌دست ایرانیان، یعنی استیلای حبشیان بر یمن، نیز برای
تاریخ روابط ایران و روم بسیار مهم است و خود نیز فی‌نفسه
اهمیت کمتری ندارد.» (پیشگفتار، ص ۱).



از این جاست که دانشمند پرتوان، احساس مسؤولیت تازه‌ای می‌کند و برای توضیح و تصحیح مطالب متن، به تنظیم تعلیقات و تدوین حواشی لازم و ضروری می‌پردازد. «در میان این تعلیقات مطالبی هست که شرقشناس می‌تواند از آن چشم‌پوشد؛ اما من کسانی را که شرقشناس نیستند نیز خواننده خود به حساب آورده‌ام. من مخصوصاً امیدوارم که بعضی از دوستان تاریخ دنیای قدیم و تاریخ قرون وسطی از من به‌خاطر آن که اوضاع یکی از مهمترین دولتهای شرق را از نظرگاه روایات شرقی در معرض مطالعه ایشان گذاشته‌ام سپاسگزار باشند. تکمله‌هایی که من از سایر منابع شرقی در تعلیقات و ضمایم افزوده‌ام نیز می‌تواند به‌هدف مذکور کمک کند. برای این منظور مخصوصاً از دیگر منابع عربی و فارسی استفاده کرده‌ام. همچنین کتب سریانی که بسیاری از شرقشناسان به آن توجهی نداشته‌اند، برای من فواید بسیاری داشته است؛ از فواید و نکاتی که در منابع یهودی بوده است نیز استفاده شده است. درباره منابع ارمنی باید بگویم که من متأسفانه از ترجمه‌هایی استفاده کرده‌ام که تأثیر مهمی، از جهت اطمینان‌بخش نبودنشان، به‌جای نمی‌گذارند. کسی که به‌زبان ارمنی آشنا باشد می‌تواند مطالب زیادی بر آن بیفزاید. عمده کوشش من مصروف آن شده است که با کتب لاتینی و یونانی مربوط به این قسمت از نزدیک آشنا شوم.» (پیشگفتار، صص ۲ و ۳).

خواننده در خلال مطالعه کتاب در می‌یابد که مؤلف دقیق به‌جهت تبحر بسیار زیادی که در زبانهای یونانی و لاتینی و سریانی داشته است، تقریباً آنچه را در این زبانها درباره تاریخ ساسانی نوشته شده است، خوانده و با منابع اسلامی عربی و فارسی تطبیق کرده است، کارنامه‌های شهدای مسیحیت را به‌زبان سریانی به‌دقت خوانده. تلمود بابلی را از متن عبری آن مطالعه کرده و آثار نویسندگان ارمنی را (از روی ترجمه‌های اروپایی) از نظر گذرانده است... تخصص اصلی نولدکه، زبانشناسی زبانهای سامی بود ولی از زبانهای ایران قدیم و فارسی نیز آگاهی عمیق داشت و خود روشن است که در زبانهای علمی امروز غرب نیز احاطه و استیلای کافی به‌هم رسانیده بود (نقل به‌معنی از مقدمه مترجم، صص ۴ و ۵). در حقیقت تا آنجا که به‌کار نولدکه برمی‌خورد، تعلیقات عالمانه و پرمعنای او بر ترجمه طبری است، که خود کتابی بسیار معتبر (در ۵۰۰ صفحه) را پدید آورده است و چنان احاطه و خوض و

غوری درکار نشان داده است که پس از گذشت قریب یکصدسال (تاریخ چاپ کتاب: ۱۸۷۹ م.)^۴ جز کتاب ایران در زمان ساسانیان دانشمند دانمارکی، کریستن سن، مانندی نیافته است.^۵

درست است که در عرصه تاریخ هیچگاه سخن آخر را نمی‌توان گفت، و هر روز که سند و یا مدرک تازه‌ای ارائه شود، کتیبه‌ای به‌دست آید و یا از نو خوانده شود، و ابزار جدیدی کشف گردد و یا به‌هر واسطه، دانشهای مترقی کمک کنند و نکات بدیعی را ارائه دهند، به‌تبع دیدگاهها و حقایق و مضامین دیگری به‌دست خواهد آمد، اما نفس امر، این است که محقق شرم و وجدان تاریخی مخصوص داشته باشد و بتواند در هر مقطع، با دریافت و بینش صحیح و درحد استقصاء، به‌تحلیل و تفسیر وقایع پردازد.

کریستن سن هم که تقریباً شصت و پنج سال پس از نلدکه، آخرین حرفهای خود را زده است و کتابی به‌همه حیث مفید و جامع به‌ایرانشناسان و متخصصان عصر ساسانی تقدیم کرده، خود محورهای اصیل بحث محقق آلمانی را پذیرفته است و همان‌گونه که مترجم کتاب تاریخ ایرانیان و عربها اظهار داشته‌اند، جا دارد تأکید کنیم که جز در موارد معدودی، چهره مطالب را تغییر نداده است.

و اما اصل کتاب، صرفنظر از پیشگفتار و مقدمه مؤلف، در نه فصل و هفت ضمیمه به‌شرح ذیل تدوین شده است:

فصل اول) پادشاهی اردشیر پسر پاپک.

فصل دوم) پادشاهی شاپور.

فصل سوم) هرمزد پسر شاپور، و در خلال آن زندگی حکمرانانی چون شاپور دوم نیز آمده است.

فصل چهارم) یزدگرد گناهکار (یزدگرد اول) و جانشینان او.

فصل پنجم) یزدگرد دوم و اعقاب وی تا خسرو اول (انوشروان).

فصل ششم) خسرو انوشروان.

تاریخ ایرانیان و عربها

فصل هفتم) در تاریخ یمن و نحوه استیلای ایرانیان بر آن ملک.

فصل هشتم) پادشاهی خسرو دوم (پرویز).

فصل نهم) احوال ایرانیان پس از پرویز، و تا ظهور اسلام و گرایش ایرانیان به این دین مبین.

ضمایم کتاب نیز به ترتیب مشتمل است بر گاه شماری ساسانیان، سنوات سلطنت حکام، اوضاع داخلی ایران ساسانی، مزدک و مزدکیان، قیام انوشهزاد پسر خسرو اول، داستان بهرام چوبین، و طغیان بستام. این ضمایم نیز مانند فصول اساسی کتاب با تعلیقات و حواشی متمتع تحقیقی همراه است. از آنجا که کتاب عظیم تاریخ ایرانیان و عربها از ترجمه‌ای سلیس و فصیح و بلیغ برخوردار است، و حقا سزاوار می‌نماید که علمای فن، شروح متعدد بر آن بنویسند، من باب معرفی و شاید هم فتح باب، برخی از اختصاصات اصل کتاب، ترجمه و مطالب محتوی را ذکر می‌کند.

- با این که تألیف نولدکه به زبان آلمانی است، گزارنده پرتوان، همت به آن مقصور داشته است که ترجمه فارسی را از اصل عربی برگرداند و طبعاً مطالب مربوط را با متن آلمانی مطابقت دهد. تلاش موفق‌تری که در زمینه انطباق متن با «سبک و روش قدما» به کار رفته، بی‌شبهه از عهده تنها چنین مترجم فاضل و بسیار دانا و مسلطی برمی‌آید، که ان‌شاءالله ماجورو مشکور بماناد.

- عینی اندیشی و بی‌احساسات نویسی که خاص محققان غربی است، در مورد نولدکه با وسواس علمی واقعی همراه است و اگر تعلق خاطر آشکارای او را به فرهنگ غربی و خاصه یونانی متوجه باشیم، و گاه انتقادهای آشکاروی را به فرهنگ شرقی در نظر آوریم، شاید نوعی کم‌التفاتی مشهودی نیز به مضامین اصیل حیات ایرانی عیان شود، و در کل، کار کتاب به شاهکاری می‌ماند و نمونه‌ والایی از

تصحیح متن و تحشیه‌نویسی است. طبیعی است که مؤلف خود در متن فرهنگ غنی و قوی علمی آلمانی رشد کرده و با انضباط دقیق تحقیقی، که میراث مشترك کسانی چون اشییگل، گوتشمیدت، ووستنفلد، مولر، کرمر و غیره است، خو گرفته است. این است که باید آرزو کنیم امروز که ملت از بندرسته‌ای هستیم به سبک تحقیق غربیان آشنا شویم و با شناخت عمقی و ذهنی و وجدانی روشنی که از خود داریم، نقایص کار عینی‌گرایی آنان را رفع کنیم.

- ذکر نکات پدیدمی از تاریخ ایران در عصر ساسانیان، چون زندگی اردشیر، شاپور دوم، انوشروان و پرویز و مذاکرات این آخری با فرزندش شیرویه، از فصول خواندنی کتاب است، به خصوص که خواننده با ملاحظه زندگی پر کشمکش سلاطین، می‌بیند که بین هفتاد تا هشتاد درصد آنان به مرگهای غیرطبیعی مرده‌اند و مبعوض ملت و اطرافیان خود بوده‌اند! از نظر گاه جامعه‌شناختی، گروه‌شناسی، تحلیلهای اداری و سیاسی و فرهنگی و امثالهم، مطالب مفید فراوان دارد و آنجا که از استعدادها و کفایت‌های مردمی ایرانیان سخن هست، به وضوح معلوم می‌شود که هر پادشاه کامکار را وزیر کاردان و با تدبیری در پرده بوده است، و آحادناس اگر رهبر خوبی پیدا می‌کردند، به سرعت بر مشکلات غلبه می‌کردند و دشواریها و دشمنان ریز و درشت را از سر راه برمی‌داشتند. - این که ایران در دوره‌های تاریخی، به طور منظم به طرف استبداد بیشتر حرکت کرده است، در تاریخ این ایام هم صراحت دارد و این نیز که «حتی بهترین قوانین مشرق زمین از افراد طبقات پایین کمتر حمایت می‌کند، فیصلی خواندنی از مواعظ روزگار است» (ص ۹۶۴). کراراً ایران به باغی تشبیه شده است که باید از آن محافظت کرد و دست اغیار را از تطاول میوه‌ها و آسیب بر اشجارش دور داشت (ص ۵۷۶). که، فاعتبروا یا اولی الابصار. پندها و حکم، و به طور کلی بخش عمده‌ای از تاریخ با شاهنامه استاد طوس مطابقت بسیار دارد و گاه توصیفی از حیات ملت ستمدیده و طاغوت زده را به دست می‌دهد که به سخن نلدکه: با اوضاع مشرق زمین سازگار است! (ص ۵۷۶)

- چاپ کتاب، با وجود لغات متعدد یونانی، لاتین، رومن و اشعار و عبارات معرب، به نحو کم غلط و مطلوبی انجام گرفته است، و گزارنده فاضل نیز آن چنان سلطه دلپذیر و ممدوحی بر سخن نشان داده است که جا داشت صفحاتی من باب نمونه

نثر روان و پسندیده و زیبای فارسی، هدیهٔ اصحاب سختکوش مترجم شود و به‌خصوص استعمال لغاتی چون «جاندار» برای «محافظ» و «شستکه» به‌جای «دستمال» و نظایر آنها سرمشق زیاندانی و سخن‌آفرینی قرار گیرد، ولی بیم از اطناب ممل، به‌ایجاز مخلمان وامی‌دارد و این امید را باقی می‌گذارد که ان‌شاءالله در زمینه‌های مختلف متن و از جمله مقایسهٔ آن با بخش مترجم ابوالقاسم پاینده و نیز تاریخ بلعمی مطالب دیگری قلمی شود.

در پایان به‌چند نکتهٔ جزئی که ضمن مطالعهٔ کتاب به‌نظر رسید اشاره می‌شود:

- لغت ساراسن و ساراکن (= عربها) به‌دو صورت آمده است.

- تأکید آیین قدیم ایرانیان بر ازدواج خواهر با برادر (صص ۳ و ۴۷۲) که امری قطعی نیست.

- فدام یا پندام (Paitidâma)، بنام هم خوانده می‌شود. ص ۵۵۶.

- «تکمیل نواقص» (ص ۶۴۶) درست نیست.

- «ونین=ونیز» (ص ۴۵۰) اشتباه چاپی است.

- در ص ۶۴۶ اشاره به‌نام جدول شده ولی از جدول خبری نیست.

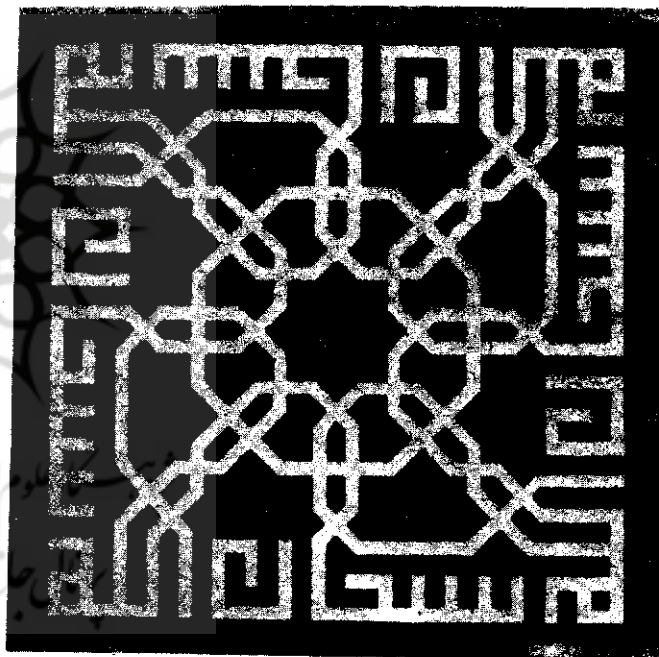
- بانسال=همان سال (ص ۶۵۳) غلط چاپی است.

- موگان-ارزبد (ص ۶۸۶) مغان اندرزبد باید باشد.

- به‌تعبیر مؤلف «کتاب نه‌ایه‌الارب، تحریری عمدی از

اخیار الطوال دینوری است» (ص ۷۱۸).

دربارهٔ آن حمدالله مستوفی نیز شرحی و ترجمه‌ای دارد و تا آنجا که محرز است کتاب دینوری تفصیل نه‌ایه‌الارب را ندارد و این کتاب که به‌وسیلهٔ آقای محمدتقی دانش‌پژوه مقابله و تصحیح شده، به‌اصل خداینامه‌ها بیشتر نزدیک است.



(۱) و به‌تعبیر تولدکه، معادل يك بیستم از اصل کتاب.

(۲) و چون تولدکه، سالها بیشتر از ترجمه و شرح نویسی بر کتاب مزبور، دو کتاب دیگر تحت عنوانین تاریخ قرآن و زندگانی حضرت رسول(ص) انتشار داده بود، در اینجا اخبار مربوط به‌ولادت و جوانی پیامبراکرم و نیز بخش بیش از تاریخ یمن را ذکر نکرده است.

(۳) از حوالی سال ۳۵۲.ق. به‌بعد.

(۴) اسم اصلی کتاب چنین است:

Th. Nöldeke, *Geschichte der Perser und Araber Zur Zeit der Sassaniden*. Aus dem Arabischen Chronik des Tabari. Leyden 1879

(۵) ترجمهٔ رشید یاسمی، با تصحیحات منوچهر امیرمکری، چاپ چهارم، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۵۱.